

تحریم های اخیر امریکا علیه ایران

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/09/video_2019_9_4-15_29_8_857_Tly.mp4

تحریم دکتر ظریف

چرا وزارت خزانه داری آمریکا ، دکتر ظریف را تحریم میکند؟ و اعمال این تحریم را بخاطر ارتباطش با رهبر ایران قلمداد میکند؟ این تحریم را از دو جنبه میتوانیم بررسی کنیم (۱) یک لایه بیرونی دارد که فقط جنجال رسانه ای و روانی قضیه است، که با نام بردن رهبر ایران؛ سعی در کاور کردن اصل ماجرا از سوی دولت جمهوری خواه امریکا است.

و اما (۲) لایه دوم که لایه درونی و اصل ماجراست اینست که؛ دولت ترامپ بخاطر رفتارهای اخیر غیر دیپلماسی دکتر ظریف بستوه آمده و از دریچه تهدید به آن می نگرد و به همین دلیل او را در لیست تحریم قرار داده است.

زیرا دولت ترامپ معتقد است که دکتر ظریف مدتی در حال رایزنی و برگزاری جلسات خصوصی با دموکرات ها میباشد جهت تضعیف دولت ترامپ و با شگرد دولت سایه سعی میکند برای دولت آینده آمریکا که ممکن است دموکرات ها باشند وقت میخرد تا برجام و توافق هسته ای را احیا کند.

برای تحلیل موجود فکت های مهمی را ارائه میدهم:

دکتر ظریف ۳_۴ بار با جان کری وزیر امور خارجه دولت دموکرات اوباما دیدار داشته است و ترامپ این دیدارها را غیر قانونی عنوان کرده است با توجه به قانون (لوگا) ؛ این قانون شهروندان عادی را از انجام دیپلماسی خارجی به نیابت از دولت امریکا منع میکند.

که در حال حاضر جان کری شهروند عادی امریکائی محسوب میشود.

دوم اینکه در ۲ خرداد ۹۸ دکتر ظریف با خانم دایان فاینشتین سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا جلسه ای خصوصی و بدون هماهنگی

های لازم داشته و کسی از محتوای جلسه خبر ندارد.
پس خیلی ساده لوحانه است که باور کنیم دولت امریکا بخاطر ارتباط
او با رهبری، اقدام به تحریم نموده است.
و از سوی دیگر ظریف با مظلوم نمایی و رسانه ای کردن نامه گلایه
آمیز به رهبر بخاطر سریال گاندو و سعی در بی اهمیت جلوه دادن
پرونده جیسون رضائیان میکند و خودش را گزینه سوخته مطرح میکند!
هر چند حافظه مردم ایران سریال گاندو را فراموش نخواهند کرد.
اما حقیقتا دکتر ظریف چکار میکند!؟!؟

پرستو مروجی

ترامپ یا دموکرات ها بهترین گزینه برای ایران کدامند؟

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_29-16_41_55_484_v2k.mp4

احمدی نژاد و پرونده های اقتصادی

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_27-15_15_37_873_rCa.mp4

مقصر اصلی معیشت مردم، احمدی نژاد

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/07/video_2019_7_20-17_10_2_139_Tly.mp4

... بی‌پرده با ترامپ!

ترامپ چندی پیش بمنظور توشیح عملکردش نسبت به ایران گفت: بعد از خروج آمریکا از برجام، مشکلات در ایران شدت گرفته . تورم در آنجا بالا است. در خیابان‌ها شورش اتفاق می‌افتد (!) مردم نمی‌توانند نان بخرند! پولشان بی‌ارزش شده. آنها مجبورند مذاکره کنند.

آقای ترامپ!

ایرانیان را نشناخته‌اید. تاریخ ایران را نخوانده‌اید. این ملت برای لقمه‌ای نان، شرف فروشی نمی‌کند. پاسخ ایرانیان به شما همانی است که یعقوب لیث صفاری به معتمد خلیفه عباسی داد:

اگر در این مصاف ما پیروز شدیم که به کام خود رسیده‌ایم و اگر مغلوب شویم نان خشک و پیازی ما را بس است! آقای ترامپ! خود کرده را تدبیر نیست. وقتی نابلدانه و زیاده‌خواهانه ایرانیان را در دو گانه خفت یا تسلیم قرار دهید جز پیروزی گزینه دیگری برای ایران وجود ندارد!

مصاف ایران با شما قرینه تدبیر هوشمندانه «طارق بن زیاد» در فتح اندلس است که با گذراندن سپاهیان لشکر اسلام از مدیترانه دستور داد جمیع کشتی‌های لشکر را سوزانند و آنگاه به قوای تحت امرش گفت:

اکنون دیگر راه برگشتی جز پیروزی نداریم! و بدین سان اسپانیا فتح شد!

آقای ترامپ!

... نقاهتگاه!

تقلب در ۸۸ طراحی پروژه «مهدی هاشمی» و تیم‌اش بود که با موفقیت توانست با این پروژه اصلاح‌طلبان را نیز در این زمین به بازی و نقش‌آفرینی گرفته و وارسته ۸۸ را با توسل به نفرت هیستریک طبقه متوسط از احمدی‌نژاد، کارپردازی کند.

پروژه تقلب ۷ ماه قبل از انتخابات و با تمهید معنادار «کمیته سیانت از آرا» کلید خورد. این پروژه از «سورپرایز دوم خرداد ۷۶» اقتباس شده بود که در آن تاریخ «پدرخوانده ایران» را شیرین‌کام کرد و احباب ایشان ملاحظه کردند چگونه با دامن زدن به شعار تقلب و توسل به بداهه‌هایی نظیر «بنویسید خاتمی، بخوانید ناطق» می‌توان جامعه را قطبی و مدیریت جهت برداشت آرا کرد. از سوی دیگر اخیراً «عبدالرضا هاشم‌زایی» عضو فراکسیون امید مجلس گفته:

آیا وقت آن نرسیده از خود بپرسیم ۱۰ سال حصر موسوی، کربوبی و رهنورد چه منفعی برای نظام داشته؟

نماینده مزبور ظاهراً در فهم مسئله دچار کژفهمی شده. حصر بابت اخذ منفعتی صورت نگرفت تا اینک کاسبکارانه در جایگاه محاسبه سود و زیان و هزینه و فایده آن بتوان نشست.

جنس حصر در مقام مقایسه، قرینه آسایشگاه سالمندان است که فرزندان ناگزیر و ناگزیر و از سر استیصال مجبور می‌شوند عزیزان خود را که بنا به دلائلی «هزینه‌زا» و «مساله‌ساز» شده‌اند غمگانه در نقاهتگاه قرار دهند.

قدر مسلم محصورین اذنباب شیطان نبودند و در این تردید نیست ایشان فرزندان انقلاب و یاران امام و رهبری بودند که کژفهمانه در ۸۸ اسیر بازی «پدرخوانده» و بازی خورده «حواریونش» شدند.

حصر تلخ‌ترین گزینه نظام و در عین حال خاصه‌خرجی قهری نظام برای مهار یارانی بود که غافلانه و نامدبرانه و جوگیرانه نتوانستند بفهمند در زمینی بازی می‌کنند که بازیگردانش «کس دیگری» است که دنبال «چیز دیگری» است!

... من خر نیستم، جیگرم!

مطابق اخبار خبرگزاری‌ها با دستور قوه قضائیه دروازه ورودی شهرک اعیانی «باستی هیلز» در لواسان برداشته شد و متعاقب آن تجمعی بنام دانشجویان عدالتخواه ضمن استقبال از این اقدام خواستار اقدامات بیشتر قوه قضائیه در جهت تخریب روحیه و اشاعه فرهنگ اشرافیگری شدند!

برخلاف دانشجویان مزبور شایسته است بجای تخریب دیوارهای حائل بین شهرک مزبور با بدنه جامعه، اقدام به کشیدن دیواری شیشه‌ای دور تا دور شهرک مزبور شود و با فروختن بلیط، از این شهرک به عنوان یک جاذبه توریستی برای بازدید کارشناسان و باکتری‌شناسان بهره‌برداری شود.

بدون تردید ماهیت شهرک مزبور و شهرک نشینان مزبور نمادی از یک بیماری بدخیم خودباختگی و بی‌هویتی فرهنگی است.

باستی هیلزبان جماعتی بیمارند که در عقده حقارت نسبت به هویت آمریکائی می‌سوزند تا جایی که در شهوت همزادپنداری و این‌همانی بین خود با آمریکائیان، حتی نام شهرک مسکونی‌شان را هم قافیه با اشرافی نشین لوس‌آنجلس (بورلی هیلز) نام گذاری کرده‌اند.

باستی هیلزبان را نباید تنبیه کرد بلکه به عنوان نمادی از عقده «حقارت و بی‌هویتی» ایشان را در قامت یک لابراتوار ارزشمند جهت گونه‌شناسی بدخیم‌ترین مبتلایان به کمپلکس «غریبندگی» و بمنظور تدریس و تنبیه دانشجویان رشته سایکولوژی می‌بایست ایشان را حفظ و نگهداری و کالبدشکافی شخصیتی(!) کرد.

ایشان هویت باختگانی‌اند که با جلوت در کسوت اشرافیت، مَـنـترانه تلاش می‌کنند ضمن بزک کردن خود در فورمت ارباب غربی فریاد بزنند: ما خر نیستم، جیگرم!

بوسیدن انگشتر!

ترامپ بدون کمترین شایستگی و بدون التفات به آلفابتای دنیای سیاست تلاش دارد خود را در مناسبات بین‌المللی در قامت «گادفادر» برسمیت بشناساند.

در دنیای «پدرخوانده»ها احترام داشتن بیش از قانون ارزش دارد و «بوسیدن انگشتر پدرخوانده» نمادی است از تن دادن به نظم احترام‌محور و چاکر سالاری برسمیت شناخته شده در مناسبات پدرخواندگی.

علیرغم این، بی‌صلاحیتی‌های ترامپ ثابت کرده وی در قامت «کورلئونه» فاقد پرنسیپ‌های پدرخواندگی است. پدرخواندگی بازتولید نوعی مناسبات لات‌بازانه است که هر چند سخیف است اما همان سخافت نیز لوازم و قواعد خاص خود را دارد.

در دنیای «لاتی» این امر بر «گنده‌لات» مُسجل است که رقیب را باید آنطور زد تا مُجاب به بوسیدن انگشترش شود.

گنده‌لاتی که رقیب‌اش را در دو راهی «مرگ یا خفت» قرار دهد «هر چه هست» پدرخوانده نیست. بر این منوال است که الوات در دنیای لاتی خود از «چاقوهای تیغه کوتاه» برای زخم زدن بر رقیب استفاده می‌کنند تا رقیب مرعوب شود نه مرحوم!

لات‌بازی ناشیانه و پدرخواندگی نابلدانه ترامپ در مقابل ایران بصورت قهری ایران را مجبور به پیروزی کرده! ایران محکوم و مجبور به پیروزی است چون ترامپ نابلدانه راه دیگری برای ایران باقی نگذاشته.

پیشنهاد ترامپ به ایران «تسلیم یا مرگ» است و طبعا ایران تن به این دوگانه نخواهد داد و با قوت مجبور به مبارزه خواهد بود.

نکته‌ای که ترامپ نمی‌فهمد آنست که در فردای «مضاف محکوم به پیروزی ایران» تا آینده‌ای بعید کاخ سفید امکان کمترین دسترسی به بهبود مناسبات با ایران را نخواهد داشت. بی‌سیاستی‌های فعلی ترامپ نسبت به ایران، پل نشکسته‌ای را باقی نخواهد گذاشت تا آن «پیروزی محتوم»، آمریکائیان بتوانند امیدی به نزدیکی با ایران داشته باشند. گذشته از آنکه پیروزی محتوم ایران حامل این پیام به دنیا خواهد شد که «می‌توان تن به مناسبات سلطه آمریکائی نداد و موفق هم شد» و بدین ترتیب واشنگتن با دست خود ایران را مبدل به الگوی موفق در سلطه ستیزی خواهد کرد.

ترامپ باید بفهمد بقول «کورلئونه» اولین قاعده در دنیای «پدرخواندگی» آنست که:

به دوستان نزدیک باش و به دشمنان نزدیک‌تر!

#داریوش سجادی

#پدرخوانده

#ترامپ

تایتان‌ها !

سیدحسین موسویان دیپلمات اسبق وزارت خارجه طی مقاله‌ای در هفته نامه گاردین در تبیین وضعیت سیاسی مبتلا به ایران و آمریکا نوشته: ترامپ برای برون رفت آبرومندانه از وضعیت فعلی در ارتباط با ایران به یک چرخش استراتژیک در سیاست‌های جاری‌اش نیاز دارد.

برخلاف باورداشت آقای موسویان واقعیت‌های سیاسی بوضوح نشان دهنده آنست که ترامپ در حوزه دیپلماسی اساساً فاقد نگاه استراتژیک است. به همین دلیل طی این مدت سطح منازعه بین تهران و واشنگتن از جنبه استراتژیک خارج شده و به سطوح تاکتیکی تنازل پیدا کرده.

تنازلی که به اعتبار تبحر ایران در رقابت‌های تاکتیکی می‌توان از آن استقبال کرد! تجربه اثبات کرده ایرانیان در تاکتیک زردآدانی زبده‌اند که بخوبی می‌توانند «تاس بد» را «خوب بازی» کنند.

ترامپ برخلاف اسلاف خود ضعیف‌ترین و نابلدترین رئیس‌جمهور آمریکا در حوزه دیپلماسی است. همین نابلدی این فرصت را برای پایوران ایران فراهم آورده تا بتوانند ترامپ را مدیریت کنند.

هر اندازه جورج بوش در امر دیپلماسی مانند بوکسوری قهار عمل می‌کرد که تنها به مشت‌ها و ضربات سنگین به حریف اهتمام داشت. اما ایدئولوژیک بودنش به اندازه کافی وی را سترون کرده بود تا نفهمد با حمله به افغانستان و عراق ناخواسته ایران را بدون کمترین هزینه و بدون حتی شلیک یک گلوله از شر «طالبان و صدام» دو دشمن سنتی و قدرتمندش در شرق و غرب خلاصی می‌بخشد.

اوباما نیز در سیاست‌ورزی شطرنج بازی زبده بود که می‌کوشید صفحه چینش و آرایش قوای سیاسی در نزاع با ایران را با توسل به «استراتژی استحاله نظام» آنگونه بچیند تا نهایتاً بتواند از طریق برجام، پراگماتیسم‌ها را در ایران تقویت و تثبیت کند!

ترامپ برخلاف این دو «سایکلایس» غول تک چشم و غیرقابل پیش‌بینی «تایتان‌ها» را می‌ماند که به اعتبار «عقبه تجاری‌اش» دنیا را تنها

از چشمانداز پول می‌تواند ببینند.
بقول مایکل پت؛ اونی که فقط با چکش کار کرده، همه چیز رو میخ می
بینه! ترامپ نیز «سایکلاپسی» است که نگاهی تک چشمی و پول محورانه
به دنیا دارد. تاجری است که تنها با پول کار کرده و بالتبع همه
چیز را کالا و قابل ابتیاع می‌انگارد! بدین منوال ترامپ را باید
غولی انگاشت که علی‌رغم نعره‌هایی گوش‌خراش نمی‌توان از او ترسید و
می‌توان مدیریت و مهارش کرد. غولی که بوی دلار را خوب می‌فهمد.
بر این اساس می‌توان از بازی تاکتیکال ایران با ترامپ استقبال کرد
که:

– با توجه به فضای رقابت‌های انتخاباتی آغاز شده در آمریکا
– و با توسل به سیاست تعلل و وقت‌کُشی
بکوشد خود را از استیصال ترامپ جهت احتراز از رفتارهایی با ریسک
بالا که به پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا لطمه
می‌زند، بهره‌مند سازد.
#داریوش سجادی